

۶۰میلیارد تومان کمک برای زلزله‌زدگان جمع آوری شده، با این پول چه می‌کنید؟



خسرو معتمد

روزنامه‌نگار و مورخ

پس از مرمت خانه‌ها و خانه‌سازی باید آنها را پس بدهند، بنابراین ۵۱۵ میلیون به آنان می‌دهند که پولی دستشان را گرفته باشد. شرط یا کانکس یا ۵ میلیون تومان شرط بدی است زیا کانکس‌ها مسکن موقتی است وقتی شهرسازی شد، برمی‌گردد به اموال دولتی. کسی در کانکس به طور دائمی زندگی نمی‌کند. استاندار کرمانشاه آقای باژوند در مصاحبه خبری با شبکه خبر گفت مستأجران خودشان میل دارند ۵ میلیون تومان بگیرند و در چادر زندگی می‌کنند!

در خبری خواندم چادرنشینان از نظر سرویس‌های بهداشتی در مضیقه قرار دارند. برای رفتن به ابریزگاه‌ها که پیوسته صف طولانی جلویشان دیده می‌شود. گاهی ۲۰ دقیقه باید راه بروند بیماری‌های عفونی در زنان افزایش یافته است. نمی‌دانم به جای این گروهی که شب‌ها جلوی دوربین تلویزیون و روبه روی آتش مشعل جمع می‌شوند و حرف می‌زنند، چرا مانند اردوگاه‌های ارتشی به سرعت سوله‌های بزرگ نصب نمی‌شود؟ آشپزخانه و بهداری صحرایی، یادگانی احداث نمی‌کنند؟ مگر احداث هزار واحد ابریزگاه چقدر کار و زمان و هزینه می‌برد؟ مگر اعزام همه روزه تانکرهای آب یا حتی حفر چاه آب چقدر مشکل است؟ خودتان می‌گویید ۶۰ میلیارد تومان کمک‌های مردمی نقدی گردآوری شده است. آیا از کل این ۶۰میلیارد نمی‌توان به هر خانواده چند میلیون تومان کمک نقدی کرد؟

گفتند در حال مذاکره‌اند، چه شد؟ دیگری که چند میلیارد تومان یا بیشتر در حسابشان ریخته شده است، گفته بودند می‌خواهند کتابخانه عمومی بسازند. خیر اکنون وقت کتابخانه نیست وقت دایر کردن درمانگاه یا ابریزگاه یا مراکز بهداشتی است. آخر بی‌انصاف‌ها ۶۰ میلیارد پول نقد دارند باز هم دارند با مردم چانه می‌زنند که یا پول بگیرید یا کانکس؟ کانکس که چادر نیست، کانکس را امانی بدهید تا نوسازی شهر مردم در جامد نخواندند، پس از مرمت شهر واحداث ساختمان‌ها کانکس را پس بگیرید رنگ بزنید، ضدعفونی و پاکیزه کنید، در یک انبار بزرگ بگذارید، نگه دارید برای حوادث بعدی که در این مملکت کمیاپ نیست. ۵۰۰ پولدوز بفرستید به محل تمام خاک‌ریوها و برانه‌ها را جمع‌آوری کنید، محیط شهر صاف و هموار شود، بدون توجه به اینکه کی مالک و کی مستأجر است شهرسازی را آغاز کنید، به تمام زلزله‌زدگان کانکس بدهید و از آن‌ان رسید بگیرید.

با مدیر لاس‌ق، قاطع و نظامی‌ای دار می‌خواهد با یک ستاد فرماندهی دولت شرط بگذارد شش ماهه همه شهر باید ساخته شود. می‌توان حتی بازار، بازارچه، دکان، فصلایی، نانواپی و مهابروفی در شهرهای ویران شده دایر کرد. شهر برلین همایورگ و بسیاری از شهرهای آلمان در جریان جنگ دوم با خاک یکسان شدند. روس‌ها وقتی برلین را گرفتند یک ساختمان مسرر با پیذا نکرند که از بمباران هوایی و بمباران بمباران فراموشی در شهرهای ویران شده دایر کرد. شهر برلین به مصرف شهرها و روستاهای زلزله زده برسد. در آلمان اروپا و امریکا یک فراخوان برای اعزام موقت پزشکان و مهندسان بدهند، ببینید چند هزار نیروی انسانی متخصص خواهند آمد. تا ابد که نباید با قرطاس بازی تجدید آبادانی این مناطق را به تعویق انداخت، تنبلی و کاغذبازی یا دولتی؟ دولت باید تک‌اتمام حجت زمانی بکند.

کانکس وسیله خوبی است. یاد می‌آید زمانی که نانواپی در تهران کم بود در بسیاری از محلات و خیابان‌های تهران حتی خیابان میبداماد کانکس نانواپی نصب شده بود. نانوها به سه سرعت نان می‌پختند و به مردم تحویل می‌دادند، من نمی‌دانم این وزارت تعاون و کار و غیره چه می‌کند؟ مگر سربل ذهاب، شهرداری ندارد؟ چرا افورا شهر را به حالت سابق برمی‌گردانید؟ تاکی این اوارها باید به نظر برسد؟

مگر اعزام ۴۰۰ – ۳۰۰ معمار و بنا و هزار کارگر به این چند تا شهر و محکم کردن بناهای مسرر یا و اعزام تعدادی پولدوز با شریخ و ابزار در اختیار همایورگ چقدر خرج می‌برد؟ الحمدلله که ۶۰میلیارد تومان دم دستتان است؟ در هر حال این وضعیت باید خاتمه یابد. مردم هم همت کنند و هر چه زودتر سر پل ذهاب و قصر شیرین و سایر مناق زلزله‌زده را به حال اول بازگردانند.



روزنامه جوان | شماره ۵۲۸۷ | سه‌شنبه ۲۶ دی ۱۳۹۶ | ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۴۳۹ | اذان ظهر: ۱۲:۱۴ | غروب آفتاب: ۱۷:۱۵ | مغرب: ۱۷:۳۵ | نیمه‌شب: ۲۳:۰۲ | طلوع آفتاب: فردا ۷:۰۸ |

قائم مقام خبرگزاری صداوسیما در گفت‌وگو با «جوان»:

رسانه‌های غربی در حادثه سانچی به جای اطلاع‌رسانی ایجاد ابهام می‌کردند



■ **محمدصادق عابدینی**

حادثه غم‌انگیز سانجه کشتی نفتکش سرنشینان کشتی شد، در رسانه‌های داخلی و خارجی بازتاب‌های زیادی داشت؛ حادثه‌ای که باعث شد شبکه‌های اجتماعی نقد‌های تندی علیه عملکرد صداوسیما در بخش اطلاع‌رسانی منتشر کنند. دکتر حسن عابدینی، قائم مقام خبرگزاری صداوسیما در گفت و گو با «جوان» درباره عملکرد صداوسیما و البته رقبای غربی‌اش در این حادثه توضیح می‌دهد.

گفته می‌شود که صداوسیما در اطلاع‌رسانی درباره حادثه کشتی سانچی تعلل کرده است، این ادعا چقدر صحت دارد؟

حادثه سانچی، بامداد روز ۱۷ دی ماه به وقت تهران رخ داد. اولین خبر همان روز ساعت ۹ صبح از خبر بماندی شبکه خبر پخش شد و طبیعتاً نظر سرعت انتشار خبر، مشکلی به وجود نیامده است.

نقد اصلی درباره عدم حضور دوربین صداوسیما در محل حادثه است، مردم دوست داشتند تصاویر حادثه را از شبکه ببینند

ناباید بعد فاصله تا محل حادثه را فراموش کنیم. ما در هر حادثه‌ای سه حلقه خبری را در نظر می‌گیریم.

حلقه اول میدانی است، حلقه دوم نزدیک به حلقه میدانی و سومین حلقه که دورتر از سایر حلقه است، برای ارتباط با مسئولان است. در حادثه نفتکش سانچی، اولین حلقه ما دفتر صداوسیما در یکن بود.

دومین حلقه دفتر خبرگزاری و خبرنگار ما در کوالالمپور مالزی بود و سومین حلقه نیز در تهران قرار داشت که وظیفه ارتباط با مسئولان مرتبط با حادثه را در کشورمان داشت.

چرا خبرنگار مستقر در یکن نتوانست به محل حادثه برود؟

اتفاقاً ما می‌خواستیم بلافاصله بعد از اعلام خبر یعنی صبح روز ۱۷ دی‌ماه هم خبرنگار به چین اعزام کنیم. فاصله یکن تا شانگهای دو ساعت پرواز هوایی است و از آنجا نیز تا نزدیک‌ترین جریزه به محل حادثه که یانگشن ما در دارد، تقریباً دو ساعت زمان لازم است. از ساحل جزیره یانگشن تا محل حادثه نیز ۲۵۰ تا ۳۰۰ مایل دریا است که حدود ۵۰۰ کیلومتر می‌شود. پس اولین مشکل ما در بودن محل بود. دومین مورد دولت چین بود که

■ **حکمت**

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله گنجی
سر‌دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
قطاعات میزبای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸.
نمابر: ۶-۸۸۴۵۶۳۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

روزنامه جوان | شماره ۵۲۸۷ | سه‌شنبه ۲۶ دی ۱۳۹۶ | ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۴۳۹ | اذان ظهر: ۱۲:۱۴ | غروب آفتاب: ۱۷:۱۵ | مغرب: ۱۷:۳۵ | نیمه‌شب: ۲۳:۰۲ | طلوع آفتاب: فردا ۷:۰۸ |

چرا خبرنگار صداوسیما با مقامات چینی مصاحبه نداشتند و اخبار را مستقیم از خود آنها دریافت نمی‌کرد؟

چینی‌ها مصاحبه نمی‌کردند. نه تنها با ما بلکه با دیگر رسانه‌ها هم مصاحبه نداشتند. بالاخره هر کشوری مقررات خود را دارد، آنها اطلاعات را در اختیار مقامات کشورمان می‌گذاشتند.

گفته می‌شود شبکه خبر احتمال مرگ در نانوردان را خیلی با تأخیر منتشر کرده است!

اتفاق کشتی سانچی یک رخداد غم‌انگیز بود، چه برای مردم، چه برای رسانه، اما درباره اطلاع‌رسانی وظیفه ما به عنوان یک رسانه این است که اخبار را صحیح، معتبر و با سرعت منتشر کنیم. در همان روزهای اول، چینی‌ها اعلام کردند به خاطر حجم آتش‌سوزی امکان زنده ماندن سرنشینان کشتی وجود ندارد، اما ما حق نداشتیم تا وقتی که مقامات رسمی کشورمان این موضوع را تأیید نکرده‌اند یا دوربین تصویربرداری صداوسیما آن را ثبت کند، این خبر را بر مبنای حدس و گمان‌ها منتشر کنیم.

این اصل کار رسانه در تضاد بود. ما مثلاً شبکه تلویزیونی متعلق به دولت انگلیس اعلام کرد که امکان خاموش کردن آتش وجود

دارد و بر این ابهام دامن می‌زد، در حالی که ما شاهد بودیم همه کشتی‌های مخصوص خاموش کردن آتش از کل منطقه برای امداد آمده بودند و کارشناسان می‌گفتند امکان این کار وجود ندارد.

همسو با صداوسیما برخی از رسانه‌ها مانند شبکه BBC به آن اشاره کردید یا چند شبکه فارسی زبان دیگر اخبار سانچی را پوشش می‌دادند، به عنوان کارشناس رسانه، عملکرد این شبکه‌ها را چطور ارزیابی می‌کنید؟

به صورت کلی رسانه‌های غربی بیشتر از اینکه به دنبال اطلاع‌رسانی بودند، سعی می‌کردند بر ابهامات دامن بزنند یا مثلاً برای لازم برسی استخراج اطلاعات جعبه‌شش‌گانه مشخص است، اما آنها می‌گویند چرا سریع‌تر علت حادثه اعلام نمی‌شود، در صورتی که بایدند فرایند استخراج اطلاعات جعبه‌شش‌گانه انجام شود. آنها حتی مصاحبه‌هایی با خانواده‌های نگران را نشانوار دادند، در حالی که ما دانیم آن خانواده‌ها در شرایط روحی و روانی خوبی قرار نداشتند. در زمانی که آنها با خانواده‌ها مصاحبه می‌کردند، دوربین صداوسیما از چند مترتی مستقر بود، اما ما نمی‌خواستیم از شرایط بد روحی افراد استفاده کنیم، اما بعد از آن بود که گفت‌وگوهایی انجام و در بخش‌های خبری و غیر خبری صداوسیما پخش شد.

به عنوان کارشناس رسانه از عملکرد شبکه خبر و خبرگزاری صداوسیما تا چه حد رضایت دارید؟

باید در هر خبر شرایط پوشش آن را در نظر گرفت. در حالی می‌شود دوربین مستقر کرد و ساعت‌ها تصویر و مصاحبه داشت و در جای دیگری مانند سانجه کشتی نفتکش، دسترسی مستقیم به محل حادثه وجود ندارد، به نظر می‌هم این است که در هر شرایط سه اصل صحت، اعتماد و سرعت در انتشار خبر رعایت شود که در این حادثه ناگوار رعایت شد.

■ **نما حسین کشکدار**

■ **حکمت**



شور شاعران برای جانباختگان فاجعه سانچی

تو نباشی چه تماشا لب دریا دارد



■ **جواد محری**

فاجعه «نفتکش سانچی» که منجر به جان باختن شهادت‌گونه ۲۲ تن از هوطنانمان شد، شاعران کشورمان را به واکنش و داشت. به‌طوری‌که بسیاری از آنان برای این حادثه غمبار اشعاری سروردند که در رسانه‌ها و فضای مجازی منتشر شد؛ اشعاری که قوام و استحکام بخش عمده‌ای از آن‌ها و نیز شورانگیز بودنشان غیر قابل انکار است. مژگان عباسلو، شاعره هموطنمان در باب کشته‌شدگان کشتی سانچی اینگونه نغمه سر داده است: دل به دریا زدنت گرچه تماشا دارد، تو نباشی چه تماشا لب دریا دارد؟ / توری از بیرهنن نیز به من بازنگشت، این چه تقدیر غربی‌ست زلیخا دارد؟ / آب در دیده و آتش به دلم، غیر از من، آنچه خوبان همه‌دارند که یکجا دارد؟ / من تو را اسیر ندیدم که گذشتی از من، با نگاه تو نگاهم چه سخن‌ها دارد / سبب از شاخه جدا گشتمه من! بعد از تو، مرگ بر جاذبه‌ای باد که دنیا دارد.

افشین علاء نیز برای درگذشت شهادت‌گونه ملوانان سانچی اینگونه می‌سراید: ای جان آب آتش بگیر، که در دیر یا در عذاب آتش بگیرد / ندیدم جز شما پروانه‌ای را، که در آغوش آب آتش بگیرد / خرابم من، خرابم من ای ره، که این جان خراب آتش بگیرد / در این غم، گونه و رخساره بگذارد، که با این مذک آب آتش بگیرد / درون سینه، آرامم بسوزد، درون دیده، آتش حسرتی از آب به جان‌افتاد، دل دریا به تیش زبانت در جواب آتش بگیرد / توای خورشید، بر بالین دریا، نیا، چون آفتاب آتش بگیرد / ندارم چاره غیر از شعر و ترنم، به دفتر، شعر ناب آتش بگیر، سعید نسیمی نیز در اینباره سروده: آتش حسرتی از آب به جان‌افتاد، دل دریا به تیش از هیجان‌ها افتاد / ظلم این طایفه هر دفعه یکی را سوزاند، قره‌عن این بار به نام ملوان افتاد.

شعر سیدامیرحسین میرحسینی نیز اینگونه است: عجب دنیا نامزدبست مادر، برای زندگی بایدبیمیری برای لقمه‌ای نان باید اینجا، میان آب‌ها آتش بگیر / برای اینکه بال و پر بگیرم، چه شب‌ها که گرسنه خواب رفتی / برای اینکه مردی را بسازم، به پایم و سوختی و آب رفتی / در این طوفان آتش توی کشتی، به یاد مهربانی تو هست، به‌یاد روزهای نوجوانی، شکسته می‌شدی یا هر شکستم.

شعر رضا خوش‌تراش پسندیده نیز از این قرار است: باید بترسم از تلاطم‌های این کابوس، باید بترسم از همین آندوه ایقائوس / هر شعله می‌بینم به غرت نیت و آندوه است، هر

فیلمی با شانس بالای ربودن سیمرغ‌های جشنواره

روایت ایثار و مقاومت گردان عمار در «تنگه ابوقریب»



بهرام توکلی‌اسسال‌نهمین ساخته بلندسینمایی‌اش را با داستانی دفاع مقدسی به‌سی‌وشش‌مین جشنواره فیلم فجر آورده است؛ «تنگه ابوقریب» که تهیه‌کننده آن سعید ملک‌ان است. «ابوقریب»، نام تنگه‌ای بسیار استراتژیک بود؛ تلافی که درباره آن فیلم ساخته شده است، مربوط به واقعه‌ای در سال ۶۷ است، زمانی که عراق اقدام به تک‌کرد و نیروهای ما از آمادگی دفاعی لازم برخوردار نبودند.

نیروهای ایرانی در آن بازه زمانی همه درگیر بودند، بخشی در شمال غرب و بخشی دیگر در سلجمه و جزیره مجنون در گبر بودند. بچه‌های گردان تازه از خط پدافندی برگشته بودند، به آنها مرخصی داده بودند تا بر گردند تهران، چون بیشتر شان اهل تهران بودند، رزمندگان حمام‌رفتنند و لب‌ت قتل‌طراشان را دریافت کردند و آماده برگشت به پشت جبهه بودند و قطارهای اندیشمک نیز معمولاً بعد از ظهر راه می‌افتاد.

ساعت ۱۱- ۱۰ صبح اعلام کردند که عراق به تنگه ابوغریب حمله کرده است و هیچ کسی را نداریم که برود جلوی آنها بایستد، می‌گویند که گردان عمار را بفرستید. اطلاع می‌دهند که گردان عمار آماده شده‌اند که مرخصی بروند. دستور می‌دهند که گردان عمار را بر گردانید به تنگه ابوقریب. بچه‌های گردان عمار را برمی‌گردانند به یادگان دوکوهه، سریع تجهیزات می‌دهند و با کامیون آنها را به خط می‌فرستند. از وقایع مهم آن روز می‌توان به شهادت غلام‌رضا صالحی، قائم‌مقام لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) اشاره کرد که در همان تنگه در روز ۲۲